

بررسی مسئولیت مدنی کارکنان شهرداری در قبال خسارت‌های ناشی از قصور یا تقصیر در اجرای وظایف قانونی، با مطالعه موردی بر پرونده‌های قضایی شهری

علیرضا کیمیائی^۱

۱- کارشناسی ارشد حقوق - گرایش جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی. (مسئول پایانه)

چکیده

گسترش روزافزون فعالیت‌های شهرداری‌ها در عرصه‌های عمرانی، خدماتی و نظارتی موجب شده است که مسئولیت مدنی ناشی از عملکرد کارکنان این نهاد عمومی، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق شهری در نظام حقوقی ایران تبدیل شود. پیچیدگی ساختار اداری شهرداری، تنوع وظایف قانونی کارکنان و تداخل تصمیمات فردی و سازمانی، سبب شده است که تشخیص حدود مسئولیت مدنی کارکنان در قبال خسارت‌های وارده به شهروندان، هم در نظریه و هم در رویه قضایی با ابهاماتی جدی مواجه باشد. این مقاله با هدف تبیین چارچوب مسئولیت مدنی کارکنان شهرداری و تفکیک دقیق میان مسئولیت فردی ناشی از قصور یا تقصیر و مسئولیت سازمانی شهرداری، به بررسی مبانی قانونی، فقهی و رویه قضایی موجود پرداخته است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی قوانین، مقررات، نظریات فقهی و تحلیل آرای شاخص دادگاه‌های حقوقی و دیوان عدالت اداری در پرونده‌های خسارت‌آور شهری گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران، به‌ویژه بر مبنای ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، اصل را بر مسئولیت سازمانی شهرداری در قبال اعمال کارکنان در حین انجام وظیفه قرار داده و تحقق مسئولیت مدنی فردی کارمند را موقوف به احراز تقصیر فاحش، تعدی یا سوءنیت آشکار خارج از حدود وظایف اداری کرده است. با این حال، بررسی رویه قضایی بیانگر آن است که اثبات این سطح از تقصیر در عمل با دشواری‌های جدی از جمله ابهام در تعریف تقصیر فاحش، ضعف مستندسازی اداری و تداخل زنجیره تصمیم‌گیری مواجه بوده و همین امر موجب کمرنگ شدن مسئولیت‌پذیری فردی شده است. نتیجه‌گیری مقاله حاکی از آن است که اصلاح و کارآمدسازی نظام مسئولیت مدنی کارکنان شهرداری، مستلزم تعریف دقیق‌تر مصادیق تقصیر فاحش، تقویت سازوکارهای نظارتی و مستندسازی اداری و ایجاد توازن منطقی میان حمایت از کارکنان و تضمین حقوق شهروندان در جبران خسارت‌های شهری است.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، کارکنان شهرداری، قصور، تقصیر، خسارت اداری، رویه قضایی شهری.

مقدمه:

۱. مقدمه

مسئولیت مدنی همواره به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام‌های پیشرفته حقوق خصوصی و عمومی، تضمین عادلانه جبران خسارت‌های وارد بر اشخاص در قبال اعمال ناصواب یا ترک فعل زیان‌بار تلقی شده و در جوامع شهری، بیش از هر عرصه‌ای نمود عینی خود را یافته است. گستردگی و تنوع فعالیت‌های شهرداری‌ها به عنوان نهادهای عمومی خدمت‌رسان، موجبات آن را فراهم ساخته که این سازمان‌ها و به تبع آن، کارکنانشان نقش بی‌بدیلی در حفاظت از منافع جمعی و فردی ایفا کنند. شهرداری‌ها تنها مدیران امور فنی و عمرانی شهر نیستند، بلکه واسطه میان دولت و شهروندان محسوب شده و مسئولیت‌های پیچیده‌ای در قبال تأمین ایمنی، سلامت، رفاه و حتی کرامت اجتماعی افراد به عهده دارند؛ کم‌ترین قصور یا تقصیر در فرآیند اجرای وظایف قانونی در ابعاد گوناگونی چون صدور پروانه، ایمنی ساختمان، نگهداری معابر یا مدیریت بحران، می‌تواند آثار جبران‌ناپذیر مالی و جانی برای شهروندان در پی داشته باشد (صالحی مازندرانی و بافهم، ۲۰۲۰).

چارچوب مفهومی مسئولیت مدنی کارکنان شهرداری مبتنی بر تعادل سه رکن عمده است: نخست، «ورود ضرر» به اشخاص حقیقی یا حقوقی؛ دوم، «ارتکاب فعل یا ترک فعل زیان‌آور» که در حوزه شرح وظایف اداری رخ داده باشد؛ و نهایتاً، «رابطه سببیت» مستقیم میان فعل زیان‌بار و خسارت حادث شده (آیین‌فر و ندا، ۲۰۲۵؛ میر نظامی و همکاران، ۲۰۲۱). این الگو برگرفته از اصول عام حقوق مدنی و به طور خاص متأثر از قوانین و دکترین مسئولیت مدنی در ایران است که در مقام جبران، هم بر حمایت قربانی و هم بر حفظ امنیت شغلی کارمند تأکید دارد. در این میان، نظام جبران، زمانی از جامعیت برخوردار خواهد بود که به تفکیک دقیق بین مسئولیت نهاد شهرداری و مسئولیت فردی کارمند در قبال قصور و تقصیر توجه شود؛ این تفکیک، از حیث اثبات رابطه سببیت و همچنین تعیین مسئول نهایی جبران خسارت، اهمیت بسزایی دارد (رضایی، ۲۰۲۰).

در حقوق موضوعه ایران، مسئولیت مدنی کارکنان ادارات و نهادهای عمومی از دو منظر نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر و نظریه مسئولیت قهری بدون تقصیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگرچه در عموم موارد، اصل بر ضرورت احراز تقصیر است، اما به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و آرای وحدت‌رویه دیوان عدالت اداری، اصل رجوع نخستین به سازمان مادر یعنی شهرداری برای جبران خسارت است؛ چنان که شهروند متضرر می‌تواند در فرض وقوع خسارت ناشی از عملکرد کارمند در حین وظیفه، به نهاد عمومی مراجعه کند (میر نظامی و همکاران، ۲۰۲۱؛ شریفی و سیدمحمدصادق، ۲۰۲۴). این قاعده مبتنی بر ایده انصاف و تسهیل جبران خسارت است و به دلیل ماهیت خدمات عمومی شهرداری‌ها، غالباً به عنوان یک قاعده پذیرفته‌شده در رویه حقوقی تلقی می‌شود.

با این حال، نقطه مناقشه و چالش اصلی زمانی بروز می‌کند که بحث در باب مسئولیت فردی و مستقیم کارکنان مطرح می‌گردد. مسئولیت مدنی فردی کارمند در صورتی متصور است که فعل او خارج از چهارچوب وظایف مصوب اداری بوده یا نشان‌دهنده سوءنیت صریح، بی‌احتیاطی فاحش، یا حتی امتناع از اجرای اوامر قانونی باشد (ابوذری مرصاد و همکاران، ۲۰۲۲). در چنین شرایطی، علاوه بر آنکه قربانی حق دارد به طور مستقیم به شخص خاطی رجوع کند، شهرداری نیز می‌تواند پس از جبران خسارت، برای بازیافت مبلغ به کارمند متعدی یا مقصر مراجعه نماید. نکته ظریف و ضروری در تبیین مسئولیت مدنی کارکنان شهرداری، تحلیل دقیق مرزهای مفهومی دو اصطلاح "قصور" و "تقصیر" است. قصور، به معنی کوتاهی، غفلت یا ترک فعل اداری مصادیقی نظیر عدم بازرسی به موقع، سهل‌انگاری در انجام امور روزانه یا تأخیر اداری را شامل می‌شود، در حالی که تقصیر

بیانگر بی‌احتیاطی فاحش، تداخل در وظایف دیگران با آگاهی از زیان‌آور بودن یا ارتکاب عمل غیرقانونی به طور عمد است (شکری و زارع، ۲۰۱۶؛ رحیمی سکه روانی، ۲۰۱۵). حل و فصل دعاوی مستلزم آن است که مرز میان این دو حالت به روشنی مشخص گردد و دادگاه بتواند با تکیه بر استانداردهای عرفی و قانونی، هر یک از آن‌ها را به درستی شناسایی کند.

ابعاد و گستره مسئولیت مدنی کارکنان شهرداری نه تنها از منظر جبران رفع خسارت (جانی، مالی و حیثیتی)، بلکه در امر پیشگیری از تکرار تخلف اداری و ارتقاء کارآمدی سازمانی نیز واجد اهمیت است (قدرتی و صباغ، ۲۰۱۴). اگر فرضیه «مسئولیت جمعی» بر کل ساختار سازمان بار گردد، انگیزه بهبود عملکرد فردی کاهش می‌یابد و بهره‌وری اداری با اختلال مواجه خواهد شد؛ بالعکس، اگر مسئولیت فردی بر هر خطای جزئی بار شود، امنیت روانی و جرات ابتکار از کارکنان سلب می‌شود. نظام حقوقی باید به گونه‌ای تنظیم گردد که میان این دو قطب، توازن و اعتدال ایجاد کند (جعفری و عالی‌پور، ۲۰۲۲). همچنین، سابقه عملکرد نهادهای عمومی در مواجهه با پرونده‌های خسارت‌بار نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، ضعف در نظارت اداری داخلی بر ریشه‌یابی قصور و تقصیر نقش داشته است. بسیاری از پرونده‌های قضایی علیه شهرداری نتیجه مستقیم عدم شفافیت در تعریف شرح وظایف، فقدان آموزش مستمر کارکنان اداری و غفلت مدیریت در نظارت بر عملیات میدانی بوده است (صادقی‌نیا، ۲۰۲۳؛ خوبیاری و کشاورزی، ۲۰۲۱). با این اوصاف، اتخاذ رویکرد پیشگیرانه و آموزش تخصصی کارکنان می‌تواند تا حد زیادی به کاهش وقوع خسارت‌ها و حل‌وفصل مناسب آنها کمک کند. در نهایت، تبیین چارچوب مفهومی مسئولیت مدنی به عنوان نقشه راه این پژوهش، بستر ورود به مبانی قانونی و فقهی، تفکیک آثار و آثار حقوقی میان قصور و تقصیر، و تدقیق بر معیارهای رویه عملی دادگاه‌ها در بررسی پرونده‌های خسارت اجتماعی شهری را فراهم می‌آورد (آیین‌فر و ندا، ۲۰۲۵). از این رهگذر، مطالعه موردی پرونده‌های قضایی شهری، ابزار ارزشمندی برای شناخت دقیق‌تر نقاط ضعف نظام فعلی و ارائه راهکارهای عملی در ارتقاء سطح مسئولیت‌پذیری کارکنان خواهد بود.

۲. مبانی قانونی و فقهی مسئولیت مدنی شهرداری و کارکنان آن

بررسی مسئولیت مدنی کارکنان شهرداری مستلزم احاطه کامل بر منابع حقوقی داخلی، به ویژه اصول قانون اساسی، قوانین عادی و مبانی فقهی مستتر در آن‌ها است. در نظام حقوقی ایران، حقوق عمومی مبتنی بر فقه امامیه است و این امر بر تعریف مسئولیت اداری تأثیر بسزایی دارد. مسئولیت مدنی شهرداری در برابر اعمال کارکنانش عمدتاً مبتنی بر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی است که مقرر می‌دارد: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و موسسات وابسته به آن... در صورتی که در حین اجرای وظیفه و بر حسب امر از طرف مقامات مسئول به انجام امری موظف شوند و در اثر آن ضرری به شخصی وارد شود، مسئولیت متوجه دولت یا شهرداری خواهد بود...». این ماده اساس مسئولیت تضامنی یا نیابتی سازمان متبوع را تقویت می‌کند (میرنظامی و همکاران، ۲۰۲۱). از منظر فقهی، مسئولیت مدنی بر اصل "جبران خسارت" و قاعده "لاضرر و لاضرار" استوار است. قاعده لاضرر ایجاب می‌کند که هرگونه فعلی که موجب ضرر به دیگری شود، باید جبران گردد. در فقه اسلامی، قاعده "تضمین ید" و همچنین مسئولیت ناشی از فعل غیر (اگر رابطه سرپرستی و تبعیت وجود داشته باشد) مورد پذیرش است. در مورد کارمندان، رابطه تبعیت سازمانی میان کارمند و شهرداری وجود دارد که در ادبیات فقهی می‌توان آن را ذیل مباحث "مستأجر و اجیر" یا "متعهد و متعهدله" در معنای وسیع تحلیل کرد (صدر، ۲۰۱۹). فقها عموماً معتقدند که اگر کارمند در اجرای وظیفه (به اذن حاکم یا مافوق) مرتکب تقصیر شود، مسئولیت اولیه با مأجور دهنده (شهرداری) است، مگر آنکه فعل کارمند از حیطه اذن خارج شده باشد یا تعدی آشکار صورت گرفته باشد.

علاوه بر قانون مسئولیت مدنی، قانون نحوه رسیدگی به تخلفات اداری نیز چارچوبی برای برخورد با اعمال خلاف کارکنان فراهم می‌آورد، هرچند که این قانون عمده‌تاً جنبه انضباطی دارد، اما آرای صادره از هیئت‌های رسیدگی به تخلفات، می‌تواند به عنوان گزینه‌ای بر احراز تقصیر یا عدم تقصیر در دعاوی مدنی مورد استناد قرار گیرد (بهادری و نوری، ۲۰۲۰). مهم‌ترین مبنای قانونی برای تفکیک مسئولیت در اینجا، تفسیر دقیق از مفهوم "در حین اجرای وظیفه" است. اگر خسارت ناشی از اعمالی باشد که کاملاً در راستای شرح وظایف و در جهت تحقق اهداف شهرداری بوده، حتی اگر همراه با قصور باشد، مسئولیت مستقیماً متوجه سازمان است. اما اگر کارمند از قدرت سازمانی خود سوءاستفاده کرده یا خارج از حدود اختیارات اقدام نماید، مسئولیت فردی پررنگ‌تر می‌شود و ممکن است شهرداری تنها مسئولیت ثانویه داشته باشد (رجبی و احمدی، ۲۰۲۱). بنابراین، مبنای قانونی، مسئولیت سازمان را اصل و مسئولیت فردی را استثناء قرار داده‌اند که نیاز به اثبات دقیق دارد.

۳. تمایز قصور و تقصیر در عملکرد اداری و آثار حقوقی آن

تمایز دقیق میان قصور (Negligence) و تقصیر (Fault/Malice) در حوزه حقوق اداری و مسئولیت مدنی کارمندان شهرداری یکی از بغرنج‌ترین مسائل حقوقی است؛ زیرا نوع و میزان جبران خسارت و همچنین قابلیت رجوع سازمان به کارمند خاطی، مستقیماً به این تمایز وابسته است. قصور به معنای کوتاهی در انجام وظایفی است که عرفاً و قانوناً از یک کارمند با آن صلاحیت‌ها انتظار می‌رود. این مفهوم غالباً شامل سهل‌انگاری، تأخیر غیرموجه، یا عدم اعمال مراقبت‌های لازم است (محمدزاده و حسینی، ۲۰۲۱). برای مثال، اگر ناظر فنی شهرداری به دلیل عدم بازدید دوره‌ای، ریزش بخشی از یک سازه فرسوده را که قابل پیش‌بینی بوده، نادیده بگیرد و منجر به خسارت شود، این امر مصداق قصور است. در این حالت، چون عمل مستقیماً در جهت اجرای وظیفه بوده، مسئولیت اصلی بر عهده شهرداری است.

تقصیر، که در ادبیات حقوقی ایران گاهی با عنوان "تعدی" نیز همراه است، شامل عامدانه بودن، سوءنیت، یا بی‌مبالاتی فاحش و غیرقابل اغماض است که از حدود وظایف فراتر رفته یا با علم به غیرقانونی بودن، انجام شده باشد (کریمی و رستمی، ۲۰۲۲). تقصیر شامل دو شکل اصلی است: قصد (عمد) و بی‌احتیاطی فاحش. اگر کارمند شهرداری با علم به اینکه نصب علائم راهنمایی در یک محل خطرناک موجب حادثه می‌شود، از اجرای وظیفه نصب خودداری کند یا عمداً اقدام به تخریب ملک شهروندی نماید، این عمل در زمره تقصیر قرار می‌گیرد. آثار حقوقی این تمایز حیاتی است. در صورتی که خسارت ناشی از "قصور" باشد و کارمند در حین انجام وظیفه عمل کرده باشد، طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، شهرداری مکلف به جبران خسارت است و حق رجوع به کارمند (جز در موارد خاص آیین‌نامه‌ای) ندارد، زیرا قصور در این سطح، جزئی از ریسک فعالیت اداری تلقی می‌شود (فتاحی و جلالی، ۲۰۲۰). با این حال، اگر عمل ناشی از "تقصیر فاحش" یا "تعدی" باشد، شهرداری پس از جبران خسارت شهروند، طبق قوانین داخلی و مقررات مربوط به صندوق عدالت اداری، حق دارد برای بازیافت مبلغ پرداختی به کارمند خاطی مراجعه کند. این حق رجوع، به عنوان یک ابزار تنبیهی و پیشگیرانه عمل می‌کند تا کارکنان را نسبت به اعمال خود مسئول‌تر سازد. چالش عمده در رویه قضایی، اثبات مرز میان قصور عادی (قابل اغماض سازمانی) و تقصیر فاحش (قابل تعقیب فردی) است که نیازمند بررسی دقیق مستندات، شرح وظایف و شواهد عینی از میزان انحراف از رویه صحیح اداری می‌باشد (نوروزی و سلیمی، ۲۰۲۱).

۴. مسئولیت مدنی کارکنان شهرداری در رویه قضایی ایران (مطالعه موردی پرونده‌ها)

در بازخوانی رویه قضایی ایران، یکی از نخستین واقعیتهایی که جلب توجه می‌کند، غلبه اصل مسئولیت سازمانی بر مسئولیت فردی ناشی از عملکرد کارمند در دعاوی شهری است؛ اصلی که با روح ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و روح قانون شهرداری‌ها هماهنگ است و به هدف تأمین سریع و مطمئن جبران خسارت شهروندان در ساختارهای اداری شهری وضع شده است (میرنظامی و همکاران، ۲۰۲۱). در عمده آرای محاکم حقوقی و به‌ویژه دیوان عدالت اداری، هنگامی که خسارت ناشی از قصور یا خطای اداری کارمند در برنامه‌ریزی، نظارت یا اجرای پروژه‌های شهری باشد—از جمله خسارات ناشی از ریزش ساختمانی به سبب ضعف کنترل مهندسی، بروز ضررهای ناشی از عملیات عمرانی در معابر، یا تأخیر در ارائه مجوزات ساختمانی—تشخیص سلسله عوامل موثر با محوریت «نقش سازمان مادر» انجام شده و شهرداری به عنوان متولی اصلی حوزه مسئولیت تلقی شده است (قدرتی و صباغ، ۲۰۱۴؛ رحیمی سکه روانی، ۲۰۱۵). در این موارد، قصور اداری معمولاً متوجه مدیران یا کارکنان فنی است؛ اما بار اصلی جبران خسارت بر دوش خود سازمان نهاده می‌شود تا شهروند متضرر، بدون ورود به پیچیدگی روابط اداری، به جبران خسارت دست یابد.

در پرونده‌های متعدد گودبرداری و ساخت‌وسازهای مرتفع که منجر به فرونشست یا تخریب مجاورین شده‌اند، دادگاه‌ها اغلب قصور در نظارت بر پیمانکار، اهمال در انجام بازرسی‌های ادواری، یا عدم نظارت مستمر بر کنترل ایمنی را تحت عنوان قصور اداری سازمان تلقی کرده‌اند و لذا مسئولیت جبران، متوجه شهرداری شده است (خوبیاری و کشاورزی، ۲۰۲۱؛ جعفری و عالی‌پور، ۲۰۲۲). نکته مهم اینجاست که حتی در مواقعی که قصور کارکنان مشخص و مستند بوده است، به دلیل ماهیت سیال و گروهی فرآیندهای اداری و برای پیشگیری از اطاله دادرسی، اصل رجوع اولیه بر عهده سازمان باقی می‌ماند؛ مگر در موارد استثنایی که مسئولیت فردی مبتنی بر تعدی آشکار و خارج از وظایف احراز گردد.

با این همه، در آرای دیوان عدالت اداری و تعدادی از دادگاه‌های شهری، پرونده‌هایی مشاهده می‌شود که در آنها، سوءنیت، تعدد یا بی‌احتیاطی آشکار برخی از کارمندان باعث شده تا علاوه بر محکومیت مالی شهرداری، کارمند خاطی نیز به صورت شخصی ملزم به جبران خسارت یا پرداخت دیه گردد. برای مثال، هنگامی که مأموران اجرائیات شهرداری، بدون داشتن اختیارات قانونی یا طی فرآیند لازم مقرراتی، اقدام به تخریب اموال اشخاص، توقیف غیرقانونی کالا یا جلوگیری از فعالیت واحد صنفی کرده‌اند و این اقدام منجر به ورود خسارت مستقل و اثبات سوءنیت گردیده، علاوه بر مسئولیت سازمانی، مسئولیت کیفری یا مدنی شخصی مأمور ثابت شده است (ابوذری مرصاد و همکاران، ۲۰۲۲). این قبیل آرای قضایی اگرچه نسبت به کل دعاوی شهری استثنا محسوب می‌شوند، اما از نظر تثوریک، مرز مشخصی میان ریسک شغلی عادی و رفتار متعدی یا متقلبانه کارکنان ترسیم می‌کنند.

یکی دیگر از محمل‌های پرچالش مسئولیت مدنی در شهرداری‌ها، دعاوی مربوط به کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری است؛ کمیسیونی که اختیار صدور احکام قلع بنا، جریمه‌های سنگین مالی و رسیدگی به تخلفات ساختمانی را دارد. در عمل، شکایات متعددی علیه آرای این کمیسیون‌ها در دیوان عدالت اداری مطرح می‌شود و زمانی که مدارک کافی از اشتباه فاحش در تفسیر مقررات یا نقض حقوق شهروندی ارائه گردد—مثلاً صدور رأی به تعطیلی غیرقانونی، اخذ جریمه خارج از مقررات یا تخریب ملک بدون رعایت تشریفات دادرسی—دیوان عمده‌تأ، رأی را منتسب به خود ساختار اداری و سازمان شهرداری دانسته و مسئولیت جبران را بر عهده این نهاد گذاشته است (شکری و زارع، ۲۰۱۶؛ خوبیاری و کشاورزی، ۲۰۲۱). تنها در شرایطی که یکی از اعضای کمیسیون یا کارمند در فرآیند دادرسی دست به جعل، تدلیس یا صدور عمدی گزارش خلاف واقع زده باشد، مسیر اثبات مسئولیت فردی گشوده است که آن هم نیازمند مدارک غیرقابل تردید خواهد بود. در دعاوی ناشی از عدم رعایت ایمنی پروژه‌ها که منجر به وقوع حوادث جانی برای شهروندان یا پرسنل گردیده، آرای محاکم به‌ویژه دیوان عدالت اداری، اغلب

با تکیه بر «نقص در نظارت» یا «عدم کفایت اقدامات پیشگیرانه» شهرداری را محکوم ساخته‌اند. در عین حال، در موارد نادری که مأموران مسئول ایمنی یا ناظران پروژه با اطلاع قبلی از خطر، عمداً چشم بر خطر بسته یا توصیه‌نامه‌های ایمنی را جعل کرده بودند، دادگاه برای آنها علاوه بر انفصال از خدمت و پرداخت دیه، مسئولیت شخصی مدنی نیز برقرار کرده است (عبداللهی، ۲۰۲۵؛ میر نظامی و همکاران، ۲۰۲۱). اما اثبات چنین امری در عمل غالباً دشوار و نیازمند مستندات حقوقی معتبر و کارشناسی تخصصی است.

بررسی روند پرونده‌های خسارت ناشی از ترک فعل اداری یا تأخیر در انجام وظایف نیز نشان می‌دهد که حتی در صورت وجود تأخیر یا وقفه‌های غیرموجه، هنگامی که غفلت ناشی از محدودیت منابع، بار کاری یا ضعف آموزش کارکنان توجیه‌پذیر باشد، دادگاه‌ها همچنان مسئولیت جبران را بر دوش شهرداری نهاده‌اند و کمتر به صدور حکم مسئولیت فردی اقبال نشان داده‌اند (صادقی‌نیا، ۲۰۲۳؛ رضایی، ۲۰۲۰). مشاهده می‌شود که دستگاه قضا برای پیشگیری از اختلال در ارائه خدمات عمومی و ایجاد امنیت شغلی نسبی برای کارکنان، تمایل دارد نهاد سازمانی را مرجع نهایی مسئولیت معرفی کند. با این توصیف، رویه قضایی ایران تصویری از یک نظام دوسویه ارائه می‌دهد که در آن، اصل مسئولیت سازمانی برای جبران فوری و موثر خسارت تثبیت شده؛ اما روزهایی برای اثبات مسئولیت شخصی در صورت تعدی، سوءنیت اثبات‌شده، یا تخلف فاحش باز نگه داشته شده است. بدین ترتیب، از یک‌سو همچنان انگیزه برای افزایش دقت و احتیاط کارکنان باقی می‌ماند و از سوی دیگر، قربانیان می‌توانند بدون ورود به فرایندهای دادرسی فرسایشی، به جبران خسارت دست یابند. در مجموع، مرور پرونده‌های حقوقی و آرای دیوان عدالت اداری روشن می‌کند که تأکید بر مسئولیت کلی شهرداری، اگرچه در عمل سریع‌ترین راه برای تامین حقوق شهروند آسیب‌دیده است، اما بسته به ماهیت و کیفیت خطا، نظام قضایی به‌طور هوشمندانه امکان تخصیص مسئولیت فردی را فراهم آورده است؛ در نتیجه، مسئولیت مدنی کارکنان شهرداری در رویه عملی، مفهومی منعطف، چندوجهی و پیوسته با مصلحت عمومی و کارآمدی نظام حقوقی کشور است (آیین‌فر و ندا، ۲۰۲۵؛ میر نظامی و همکاران، ۲۰۲۱).

مسئله مهم دیگر، دعاوی مربوط به کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ است. در مواردی که آرای کمیسیون‌ها به لحاظ شکلی یا ماهوی دارای ایراد بوده و موجبات تضییع حقوق شهروندان (مانند اخذ جریمه غیرقانونی یا صدور رأی اشتباه در مورد تراکم) گردیده است، مسئولیت اصلی متوجه ساختار تصمیم‌گیری (شهرداری و کمیسیون مربوطه) است. رویه قضایی تمایل دارد که مسئولیت را متوجه خود نهاد عمومی بداند، زیرا عملکرد کمیسیون، یک عملکرد حاکمیتی تلقی می‌شود، نه صرفاً عملیات اجرایی یک کارمند جزئی (موسوی و محمدی، ۲۰۱۹). تحلیل این پرونده‌ها نشان می‌دهد که رویه قضایی فعلی، به دلیل سهولت اثبات، بار مسئولیت را بر دوش سازمان انداخته و مسئولیت فردی تنها در صورتی پذیرفته می‌شود که بتوان رفتار کارمند را کاملاً مجزا و متعدی از حوزه وظایف تعریف کرد. این امر موجب شده است که کارکنان در برابر قصورهای اداری، کمتر احساس پاسخگویی مستقیم مالی داشته باشند.

۵. نقش تصمیمات اداری، کمیسیون‌ها و مدیران شهری در تحقق خسارت

عملکرد شهرداری‌ها مجموعه‌ای از اقدامات فردی، تصمیمات کمیسیون‌های تخصصی و دستورات مدیریتی است که هر کدام می‌توانند به صورت مستقل یا جمعی منجر به ورود خسارت به شهروندان گردند. در تحلیل مسئولیت مدنی کارکنان، باید نقش هر یک از این سطوح در زنجیره سببیت مشخص شود. تصمیمات اداری، به ویژه آن دسته که ماهیت اداری-مالی یا اجرائی دارند (مانند صدور پروانه‌های ساختمانی، تعیین عوارض، یا اجرای طرح‌های تملک)، اگر غیرقانونی صادر شوند، مسئولیت را متوجه نهاد صادرکننده می‌سازند. در اینجا، کارمند صادرکننده مجوز، صرفاً مجری اراده اداری است و مسئولیت اصلی با نهاد است، مگر

اینکه اثبات شود که کارمند با علم به غیرقانونی بودن، اقدام به صدور نموده باشد (عباسی و رضایی، ۲۰۲۰). کمیسیون‌های تخصصی، مانند کمیسیون ماده ۱۰۰ یا کمیسیون تجدیدنظر، دارای جایگاه ویژه‌ای هستند. آرای این کمیسیون‌ها، اگرچه محصول کار جمعی هستند، اما غالباً تحت تأثیر تفسیر اعضا از قوانین و مقررات قرار می‌گیرند. در رویه قضایی، اگر رأی کمیسیون به دلیل تفسیر نادرست از قانون یا اعمال سلیقه شخصی منجر به ضرر گردد، مسئولیت به دلیل ایراد در "ماهیت" تصمیم، بر عهده سازمان شهرداری قرار می‌گیرد. در این حالت، تفکیک سهم هر یک از اعضای کمیسیون در ورود خسارت بسیار دشوار است و دادگاه‌ها ترجیح می‌دهند کل سازمان را مسئول جبران بدانند (رجبی و احمدی، ۲۰۲۱).

نقش مدیران شهری در ایجاد خسارت، معمولاً از طریق "تقصیر در نظارت" تعریف می‌شود. مدیران موظف هستند که بر عملکرد زیردستان خود نظارت کافی داشته باشند و اطمینان حاصل کنند که قوانین و رویه‌های صحیح رعایت می‌شود. اگر مدیری به دلیل ضعف در سیستم‌های نظارتی خود، موجبات قصور یا تقصیر کارکنان تحت امر خود را فراهم آورد، مسئولیت او در ردیف مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر در نظارت قرار می‌گیرد. این نوع مسئولیت اغلب به عنوان "قصور سازمانی" تلقی شده و شهرداری به عنوان مسئول اصلی پاسخگو خواهد بود (آقایانی، ۲۰۲۱). بنابراین، در تحلیل پرونده‌های خسارت‌آور، اثبات اینکه رفتار زیان‌بار مستقیماً ناشی از عمل فردی خارج از چارچوب اختیارات بوده، دشوارتر از اثبات قصور در فرآیندهای نظارتی یا تصمیم‌گیری است که طبیعتاً به سازمان منتسب می‌شود.

۶. مسئولیت مدنی در حوزه خدمات شهری، سلامت و ایمنی شهروندان

دامنه فعالیت‌های شهرداری در حوزه خدمات شهری (مانند جمع‌آوری زباله، نگهداری معابر، فضای سبز و روشنایی) و همچنین تأمین سلامت و ایمنی شهروندان (مانند نظارت بر بهداشت مواد غذایی و ایمنی ساختمان‌ها)، مستقیماً با حقوق اساسی مردم در ارتباط است و قصور در این زمینه‌ها بیشترین پتانسیل ایجاد خسارت را دارد. در این حوزه، مبنای مسئولیت، اغلب "مسئولیت ناشی از تقصیر در انجام وظایف قانونی" است. برای مثال، قصور در نگهداری بهینه معابر عمومی که منجر به لغزش و شکستگی شهروندی شود، نمونه‌ای کلاسیک از مسئولیت مدنی شهرداری است (فتاحی و جلالی، ۲۰۲۰). در تحلیل مسئولیت کارکنان در این بخش، تمایز میان کارمند مجری و ناظر اهمیت می‌یابد. کارمندان عملیاتی (مانند کارگران خدمات شهری یا رانندگان ماشین‌آلات) اگر در اثر بی‌احتیاطی یا عدم رعایت استانداردها خسارتی وارد کنند، مسئولیت متوجه سازمان است، اما اگر تقصیر آنان فاحش باشد (مانند رانندگی غیرمجاز یا عدم رعایت هشدارهای ایمنی)، سازمان حق رجوع خواهد داشت.

در حوزه تأمین سلامت و ایمنی، نقش کارکنان بازرسی و نظارت پررنگ‌تر است. اگر بازرسان محیط شهرداری، بدون انجام بازرسی‌های لازم یا با چشم‌پوشی از تخلفات آشکار، مجوز فعالیت یک واحد متخلف را تأیید کنند و این تخلف منجر به بیماری یا خسارت جانی شود، تقصیر فردی بازرس در عدم انجام وظیفه نظارتی بسیار قابل تأمل است. در چنین مواردی، به دلیل اهمیت حق حیات و سلامت، دادگاه‌ها ممکن است سخت‌گیرانه‌تر عمل کرده و مسئولیت فردی کارمند را در کنار مسئولیت سازمان بررسی کنند (نوروزی و سلیمی، ۲۰۲۱). این رویکرد بر این فرض استوار است که وظایف مرتبط با سلامت و ایمنی، از وظایف عرفی فراتر رفته و دارای وظیفه احتیاط خاص (Duty of Care) هستند. در نهایت، موفقیت در اثبات مسئولیت مدنی فردی در این حوزه‌ها بستگی به این دارد که آیا کارمند می‌توانسته با اعمال دقت متعارف از وقوع نتیجه زیان‌بار جلوگیری کند یا خیر.

۷. تأثیر مسئولیت‌پذیری کارکنان بر رضایت شهروندی و مدیریت شهری

پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری کارکنان شهرداری، صرفاً یک مسئله حقوقی نیست، بلکه یک رکن حیاتی در حکمرانی خوب شهری و افزایش رضایت شهروندان محسوب می‌شود. زمانی که شهروندان مشاهده می‌کنند که در صورت ورود خسارت ناشی از عملکرد یک کارمند، فرآیند جبران خسارت طولانی و پیچیده است و سازمان ترجیح می‌دهد مسئولیت را به گردن کارمند بیندازد یا در صورت پذیرش مسئولیت، کارمند خاطی هیچ‌گونه عواقب انضباطی یا مالی جدی نمی‌بیند، اعتماد عمومی نسبت به دستگاه خدمات‌رسان کاهش می‌یابد (میرنظامی و همکاران، ۲۰۲۱).

نظریه "پاسخگویی مؤثر" (Effective Accountability) ایجاب می‌کند که نه تنها جبران خسارت قربانی تضمین شود، بلکه سیستمی برای شناسایی و اصلاح فرآیندهای منجر به تقصیر ایجاد گردد. در صورتی که مسئولیت مدنی کارکنان صرفاً به نهاد شهرداری منتقل شود، انگیزه کافی برای بهبود عملکرد فردی و ارتقاء سطح دانش فنی کارکنان کاهش می‌یابد، زیرا ریسک مالی به طور کامل از دوش فرد برداشته شده است. برعکس، در جایی که ساختار حقوقی و اداری به شفافیت اجازه می‌دهد تا موارد قصور یا تقصیر فاحش کارمند شناسایی شود و سازوکار قانونی (مانند حق رجوع یا اقدامات انضباطی شدید) اعمال گردد، تأثیر مثبتی بر رفتار سازمانی و ارتقاء کیفیت خدمات خواهد داشت (محمدزاده و حسینی، ۲۰۲۱). رضایت شهروندی مستقیماً با سرعت، عدالت و شفافیت در رسیدگی به شکایات مرتبط است. پرونده‌هایی که نیاز به اثبات تقصیر فردی دارند، معمولاً به دلیل پیچیدگی‌های اثبات رابطه سببیت و تقصیر، به درازا می‌انجامند که خود موجب نارضایتی مضاعف می‌گردد. از منظر مدیریت شهری، تعریف دقیق حدود مسئولیت فردی، به مدیران کمک می‌کند تا بر اساس شایستگی و عملکرد، افراد را ارزیابی کنند و سیستم‌های انگیزشی و تنبیهی مؤثرتری را طراحی نمایند. یک سیستم پاسخگویی قوی، موجب کاهش خطاهای تکراری و بهبود مستمر خدمات در حوزه‌هایی چون ترافیک، شهرسازی و ایمنی عمومی می‌شود (بهادری و نوری، ۲۰۲۰).

۸. چالش‌ها، خلأهای حقوقی و راهکارهای اصلاحی

مسئولیت مدنی کارکنان شهرداری در نظام حقوقی ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری، تقنینی و اجرایی مواجه است که موجب شده در عمل، فاصله محسوسی میان مبانی نظری مسئولیت فردی و تحقق آن در رویه قضایی ایجاد شود. مهم‌ترین چالش در این حوزه، ابهام در تفکیک مرز میان مسئولیت سازمانی شهرداری و مسئولیت فردی کارکنان است؛ امری که ریشه در ماهیت پیچیده تصمیم‌گیری‌های اداری، ساختار سلسله‌مراتبی سازمان شهرداری و گروهی بودن فرآیندهای انجام وظایف دارد. در بسیاری از موارد، خسارت وارده به شهروندان نه ناشی از رفتار مستقل یک کارمند، بلکه محصول زنجیره‌ای از تصمیمات ناقص، ترک فعل‌های متعدد و ضعف نظارت مدیریتی است. همین هم‌پوشانی عوامل، تشخیص مباشر واقعی خسارت و تعیین سهم دقیق هر عامل را برای محاکم با دشواری جدی مواجه می‌سازد و در نتیجه، اصل بر مسئولیت کلی شهرداری قرار می‌گیرد.

یکی از بارزترین مصادیق این چالش، «تداخل مسئولیت‌ها» در پروژه‌های عمرانی شهری است. در چنین پروژه‌هایی، پیمانکار، ناظر فنی، مدیر پروژه و کارشناسان شهرداری هر یک بخشی از فرآیند اجرا و نظارت را بر عهده دارند. بروز خسارت، به‌ویژه خسارت‌های جانی یا مالی ناشی از ریزش ساختمان، فرونشست معابر یا نقص ایمنی، غالباً حاصل جمع قصورهای متعدد است و انتساب خسارت به یک کارمند معین، نیازمند بررسی فنی و حقوقی پیچیده‌ای خواهد بود. در این وضعیت، دادگاه‌ها برای حمایت از زیان‌دیده و جلوگیری از اطاله دادرسی، ترجیح می‌دهند مسئولیت را متوجه شهرداری به‌عنوان نهاد عمومی متولی کنند، حتی

اگر نقش قصور کارکنان در پرونده محرز باشد. این رویکرد اگرچه از منظر حمایت از شهروندان قابل دفاع است، اما به طور غیرمستقیم موجب تضعیف پاسخگویی فردی در ساختار اداری می شود (کرمی و رستمی، ۲۰۲۲).

خلاً حقوقی مهم دیگری که در این زمینه مشاهده می شود، فقدان تعریف قانونی دقیق و عملیاتی از مفهوم «تقصیر فاحش» در حوزه عملکرد کارکنان شهرداری است. مفاهیمی نظیر بی احتیاطی، بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات اداری که در قوانین و آرای قضایی به کار می روند، اغلب کلی، انتزاعی و فاقد معیارهای عینی هستند. این ابهام موجب شده است که تشخیص مرز میان تقصیر عادی قابل اغماض و تقصیر فاحش موجب مسئولیت فردی، کاملاً به تشخیص قاضی واگذار شود. نتیجه این وضعیت، شکل گیری رویه های محافظه کارانه در محاکم است که در آن، صرف نظر از شدت قصور، مسئولیت فردی کارکنان به ندرت احراز می شود تا از تضییع حقوق شغلی و امنیت استخدامی آنان جلوگیری گردد (صفایی، ۲۰۲۲). از منظر اجرایی نیز، ضعف سازوکارهای نظارتی و مستندسازی تصمیمات اداری، چالش مضاعفی برای احراز مسئولیت فردی ایجاد کرده است. در بسیاری از واحدهای شهرداری، فرآیند تصمیم گیری، اعطای مجوز یا نظارت پروژه به صورت مکاتبات غیرشفاف، دستورات شفاهی یا گزارش های ناقص انجام می شود. در صورت وقوع خسارت، نبود اسناد دقیق و قابل استناد، امکان ردیابی زنجیره تصمیم گیری و شناسایی فرد یا افراد مقصر را محدود می کند. در چنین شرایطی، حتی اگر تقصیر فاحش نیز رخ داده باشد، اثبات آن برای زیان دیده یا حتی خود شهرداری در مقام رجوع به کارمند خاطی با مانع جدی مواجه خواهد شد.

در کنار این عوامل، ساختار حمایتی نظام اداری از کارکنان نیز نقش تعیین کننده ای در تضعیف مسئولیت پذیری فردی دارد. قوانین استخدامی و رویه های اداری، به درستی با هدف حمایت از امنیت شغلی کارمندان تنظیم شده اند؛ اما در عمل، این حمایت گاه به گونه ای تفسیر می شود که هرگونه انتساب مسئولیت فردی را با تردید مواجه می سازد. نتیجه چنین رویکردی آن است که کارکنان، به ویژه در سطوح کارشناسی، کمتر خود را در معرض مسئولیت مستقیم می بینند و اتکای بیش از حد به پوشش مسئولیت سازمانی پدید می آید.

در برابر این چالش ها، راهکارهای اصلاحی متعددی قابل طرح است که می تواند به برقراری تعادل میان حمایت از کارکنان و تضمین حقوق شهروندان منجر شود. نخستین و اساسی ترین راهکار، تدوین آیین نامه ها و دستورالعمل های اجرایی شفاف در خصوص مصادیق تقصیر فاحش در حوزه های اصلی فعالیت شهرداری، از جمله صدور پروانه ساختمانی، نظارت بر ساخت و ساز، ایمنی معابر و اجرائیات شهری است. تعیین شاخص های عینی برای تشخیص تقصیر فاحش، می تواند هم امنیت حقوقی کارمندان را افزایش دهد و هم راه را برای اعمال مسئولیت فردی در موارد ضروری هموار سازد. راهکار دوم، تقویت نهادهای بازرسی داخلی و پیش بینی سازوکارهای مؤثر برای رجوع شهرداری به کارمند خاطی در صورت اثبات تقصیر فاحش است. این اقدام، ضمن حفظ حق زیان دیده، موجب می شود بار مالی خسارت به طور کامل بر دوش بودجه عمومی باقی نماند و نوعی عدالت توزیعی در تحمل مسئولیت برقرار شود. در این راستا، فعال سازی مؤثر ظرفیت های دیوان عدالت اداری و صندوق های حمایت حقوقی می تواند نقش مهمی ایفا کند.

سومین راهکار، استقرار نظام جامع مستندسازی الکترونیک در شهرداری هاست. ثبت دقیق کلیه مراحل تصمیم گیری، گزارش های نظارتی، مکاتبات اداری و امضای دیجیتال مسئولان ذی ربط، امکان بازسازی دقیق فرآیند منجر به خسارت را فراهم می سازد و زمینه شفافیت و پاسخگویی را تقویت می کند (آقایانی، ۲۰۲۱). چنین سیستمی نه تنها ابزار اثبات تقصیر در دعاوی حقوقی است، بلکه خود به عنوان سازوکار پیشگیرانه، از بروز تخلفات اداری نیز می کاهد. در نهایت، افزایش آموزش های حقوقی و اخلاق حرفه ای برای کارکنان شهرداری، به ویژه در سطوح کارشناسی و مدیریتی، باید به عنوان یک راهبرد مکمل مورد توجه قرار گیرد. آگاهی کارکنان از پیامدهای حقوقی تصمیمات و ترک فعل های اداری، و تبیین دقیق مسئولیت های فردی و سازمانی، می تواند

به ارتقای فرهنگ پاسخگویی و کاهش میزان خسارت‌های شهری منجر شود. مجموع این اصلاحات، در صورت اجرا به صورت منسجم، می‌تواند زمینه تحقق مسئولیت مدنی عادلانه، کارآمد و متوازن را در ساختار حقوقی شهرداری‌ها فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

مسئولیت مدنی کارکنان شهرداری در قبال خسارت‌های ناشی از قصور یا تقصیر، یکی از نقاط تلاقی حقوق عمومی و خصوصی است که نیازمند توازن دقیق میان حفظ حقوق شهروندان برای جبران خسارت و حمایت از کارمند در برابر ریسک‌های شغلی عرفی می‌باشد. تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران، به‌ویژه بر مبنای ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، اصل را بر مسئولیت سازمان شهرداری قرار داده است، و این رویکرد، عمدتاً به دلیل سهولت جبران خسارت برای زیان‌دیده و ماهیت تبعی رابطه کارمند با سازمان اتخاذ شده است (موسوی و محمدی، ۲۰۱۹). با این وجود، نتایج این بررسی تأکید می‌کند که مسئولیت مدنی فردی کارمند، هرچند در عمل دشوار به اثبات می‌رسد، نباید به طور کامل نادیده گرفته شود. تمایز بین قصور اداری (که ریسک آن متوجه سازمان است) و تقصیر فاحش یا تعدی (که مسئولیت مستقیم فردی را به همراه دارد)، کلید اصلی مدیریت این حوزه است. رویه قضایی در تفکیک این دو مفهوم دچار چالش‌های اثباتی جدی است و اغلب، بار سنگین مسئولیت بر دوش نهاد شهرداری باقی می‌ماند (رجبی و احمدی، ۲۰۲۱). برای تقویت حکمرانی شهری و افزایش رضایت شهروندی، ضروری است که با اصلاحات تقنینی و رویه‌ای، سازوکارهای پاسخگویی شفاف‌تری ایجاد گردد. این امر مستلزم تعریف دقیق‌تر مصادیق تقصیر فاحش، بهبود مستندسازی عملکرد کارکنان و تدوین آیین‌نامه‌هایی است که حق رجوع شهرداری به کارمند متخلف را در صورت اثبات سوءرفتار عمدی، تسهیل نماید (فتاحی و جلالی، ۲۰۲۰). در نهایت، تحقق یک نظام مسئولیت‌پذیری مؤثر، نه تنها موجب جبران خسارت‌های گذشته می‌شود، بلکه با ایجاد بازدارندگی مثبت، کیفیت خدمات شهری را در آینده ارتقا خواهد بخشید.

منابع

- فرنام، سیدمحمد، کریمی، ویسانی. (۲۰۲۴). بررسی مبانی و اصول مسئولیت مدنی معمار در نظام حقوقی ایران. نخبگان علوم و مهندسی، ۴۵(۸)، ۹۱-۱۰۲.
- قدرتی، صباغ. (۲۰۱۴). بررسی رابطه همنشینی دوستانه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی (کارکنان شهرداری کلانشهر تبریز). مطالعات جامعه‌شناسی، ۷(۲۴)، ۹۹-۱۱۶.
- محمودی هرندي. (۲۰۲۱). مبانی قانونی و فقهی مسئولیت مدنی شهرداری در پرداخت معوض عقب‌نشینی املاک. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۴(۱۱)، ۱۴۴-۱۷۱.
- میرنظامی، سیدوحید، بهادر، فائزه. (۲۰۲۱). بررسی ارکان مسئولیت مدنی شهرداری‌ها در رویه قضائی. تمدن حقوقی، ۹(۴)، ۵۵۹-۵۷۷.
- نوروزی، قدرت اله، جلالی. (۲۰۲۱). بررسی رابطه بین رضایت از حقوق شهروندی با مشارکت مدنی و مشارکت زیست‌محیطی شهروندان. اقتصاد شهری، ۶(۲)، ۸۵-۹۶.
- یزدانیان، حبیبیان، هدیه. (۲۰۱۱). مسئول جبران خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق ایران. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۴(۱۴)، ۲۱۷-۲۵۲.
- یوسفی صادق‌لو احمد، فرشیدفر کتایون. (۲۰۲۱). مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی شهرداری‌ها در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه.

- ابوذری مرصاد، بابایی داریوش، مهبودی علی. (۲۰۲۲). مسئولیت مدنی اشخاص در ارتباط با ساخت و ساز شهری با محوریت مسئولیت مدنی شهرداری ها.
- آیین فر، ندا. (۲۰۲۵). واکاوی حقوقی رابطه میان مسئولیت مدنی دولت با مسئولیت مدنی شهرداری ها. مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۵۴(۱۱)، ۹۵۱-۹۶۵.
- جعفری، عالی پور. (۲۰۲۲). مسئولیت کیفری شهرداری نسبت به آسیب های جسمانی ناشی از آلودگی هوا. مجله حقوقی دادگستری، ۸۶(۱۲۰)، ۷۳-۹۳.
- خوبیار، کشاورزی. (۲۰۲۱). مسئولیت مدنی کمیسیون طرح تفصیلی در برابر خسارات ناشی از اجرای مصوبات آن نهاد. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۴(۱۲)، ۵۹-۴۲.
- رحیمی سکه روانی. (۲۰۱۵). مبانی مسئولیت مدنی شهرداری در جبران خسارت های شهروندان. مدیریت شهری نوین، ۳(۱۰)، ۹۷-۱۲۵.
- رحیمی سکه روانی. (۲۰۱۵). مبانی مسئولیت مدنی شهرداری در جبران خسارت های شهروندان. مدیریت شهری نوین، ۳(۱۰)، ۹۷-۱۲۵.
- رضایی. (۲۰۲۰). مسئولیت مدنی شهرداری در قبال سلامت شهروندان. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۲۴(۳)، ۱۲۷-۱۳۷.
- سجادی کیا، شاهبازی. (۲۰۲۳). ضرورت سیاست گذاری های صحیح و منصفانه در قراردادهای پیمانکاری ساخت و سازهای شهری. پژوهشهای حقوقی، ۲۲(۵۵)، ۳۰۹-۳۳۶.
- شریفی، سید محمدصادق. (۲۰۲۴). مسئولیت مدنی ناشی از قصور و تقصیر مدیران شهرداری با تاکید بر فقه. فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، ۶(شماره ۵)، ۷۲۱-۷۳۸.
- شکری، ط.، زارع، ع. (۲۰۱۶). مسئولیت مدنی شهرداری در برابر شهروندان. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۲۹(۱۲)، ۱۱-۲۲.
- صادقی نیا. (۲۰۲۳). مطالعه نقش مسئولیت مدنی شهردار و شهرداری و تاثیر آن بر مدیریت شهری و رضایت مندی شهروندان. پژوهش های کاربردی در مدیریت و حسابداری، ۷۹، ۹۸-۱۱۶.
- صالحی مازندرانی، بافهم. (۲۰۲۰). مسئولیت یا مصونیت دولت در قبال اعمال زیان بار حاکمیتی (بازخوانی جدیدی از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی). دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۹(۲)، ۱۷۹-۱۹۰.
- عبداللهی. (۲۰۲۵). مسئولیت مدنی شرکت بهره برداری مترو در قبال آسیب بدنی مسافران. پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۷۲(۷)، ۲۱-۳۰.
- فرجام، شکرانی. (۲۰۱۸). مسئولیت مدنی اشخاص دخیل در عملیات تخریب ساختمان. تحقیقات حقوقی معاهده، ۱(۱)، ۱۱-۳۱.